

رهیافت هم‌تکمیلی، مبانی و کارکردهای آن

با تأکید بر منطقه جنوب شرق ایران

دکتر محمود واثق - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

دکتر سید یحیی صفوی - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه جامع امام حسین (ع)

سید سلمان حسینی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۸

چکیده

میزان و نحوه توزیع منابع محیطی و جغرافیایی در سطح زمین فاقد الگوی همسان بوده و از نابرابری‌های گسترده برخوردار است. به‌همین جهت، هیچ مکان جغرافیایی بر روی زمین وجود ندارد که به تنهایی قادر به تأمین همه نیازهای ضروری ساکنان خود باشد. از این رو همه مکانها برای به‌دست آوردن نیازمندیهای خود به‌طور جدی به مکانهای دیگر وابسته‌اند. پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود آن است که، مکانهای جغرافیایی چگونه و با اتکا به چه مکانیسمی می‌توانند به رفع نیازهای خود بپردازند؟ در پاسخ به این پرسش، طی نوشته حاضر، رهیافتی موسوم به «رهیافت هم‌تکمیلی» پیشنهاد و ارائه شده و هدف اصلی این مقاله نیز تبیین و معرفی ابعاد نظری و کارکردی رهیافت فوق است. از آنجا که همه مکانهای جغرافیایی واجد دو دسته از مؤلفه‌های محیطی شامل: ۱- منابع و مزیت‌های محیطی؛ ۲- کاستی، ضعف و محدودیت‌های محیطی می‌باشند، لذا می‌توانند از طریق برقراری همکاری و مناسبات دو سویه، چرخه‌ای از تعاملات هم‌تکمیلی را پدید آورند که طی آن، هر مکان جغرافیایی مکمل مکان دیگر محسوب گردد. در حقیقت هدف اصلی این رهیافت آن است که، روابط مبتنی بر رقابت‌های غیرسازنده میان مکانها را به روابطی توأم با رفاقت و همکاری تبدیل نماید و روشن است در این صورت، دستیابی به سطوح قابل قبولی از توسعه متوازن، ثبات و امنیت پایدار در محیط‌های جغرافیایی در دسترس خواهد بود.

از آنجا که رهیافت مزبور ماهیتی کاربردی و حل مسأله دارد؛ لذا از قابلیت تبیین‌کنندگی نظری و سازماندهی عملی بالایی برخوردار بوده و امکان به‌کارگیری آن در همه مقیاس‌های جغرافیایی از خردترین سطوح فروملی تا بالاترین سطوح فراملی وجود دارد. همچنین به‌طور مشخص در چهار حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و امنیت قابل پیاده‌سازی است. طی مقاله حاضر، نحوه پیاده‌سازی رهیافت مذکور در خصوص ناحیه جنوب شرق ایران و با هدف

حل مسأله توسعه‌یافتگی این منطقه از کشور و نیز تعیین مناطق مکمل داخلی و خارجی آن و زمینه‌های مشارکت و هم‌تکمیلی این منطقه با مناطق مکمل، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: راهبرد، هم‌تکمیلی، وابستگی متقابل، منابع جغرافیایی، جنوب شرق ایران.

۱- مقدمه

فلسفه وجودی علوم اجتماعی از جمله دانش جغرافیا، حل و رفع مسائل و معضلات اجتماعی و محیطی است (Soroush, 2006: 1). بر این اساس، جستجو برای دستیابی به مکانیسم‌ها و الگوهای مؤثر و کارآمد در زمینه حل مشکلات موجود در محیط‌های جغرافیایی، اصلی‌ترین وظیفه و هدف علوم اجتماعی از جمله جغرافیا به‌شمار می‌رود در پژوهش‌های جغرافیایی، اولویت اصلی صرفاً دانش‌افزایی در خصوص پدیده‌ها و محیط‌های جغرافیایی نمی‌باشد بلکه مجموعه مطالعات به‌عمل آمده در این رشته، در حکم بررسی‌های مقدماتی و با هدف به‌کارگیری آنها در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی می‌باشد (Koul, 1986: 65-69). رشد روزافزون جمعیت از یک‌سو و محدودیت و عدم توزیع همسان منابع محیطی بر روی زمین از سوی دیگر، واقعیت‌های انکارناپذیری هستند که همه مکانها را با خیل عظیمی از معضلات و چالش‌های ریز و درشت محیطی مواجه نموده‌اند (Bulletin News, 2015). شکی نیست که منابع موجود آب و خاک، منابع معدنی، سطوح نابرابر توسعه‌یافتگی و صدها نمونه دیگر از تضادها و نابرابری‌های ساختاری و کارکردی میان مکانهای جغرافیایی، عامل بروز بسیاری از شکافها، جنگها، فقر، ناامنی و بلایا و مخاطرات طبیعی و انسانی بوده و بخش اعظم این چالشها، به‌روشنی منشأ جغرافیایی دارند (Hafeznia and Nasiri, 1999: 463). بر اساس این تلقی، روشن است هدف اصلی پژوهش‌های جغرافیایی باید به حل و فصل و ساماندهی منابع محدود کنونی معطوف بوده و در پی یافتن راهکارهای مناسب و مؤثر در این زمینه باشد.

محدودیت شدید منابع جغرافیایی و روند رشد مصرف در نواحی گوناگون علاوه بر وارد ساختن فشار فزاینده بر منابع سطح زمین، عامل اصلی بروز کشمکش، رقابت و جنگهای

گسترده میان کشورها و دولتهاست (Hafeznia and Nasiri, 1999: 463). بر این اساس، طی مقاله حاضر تلاش به عمل آمده تا در راستای حل یا کاهش مسائل محیطی موجود، راهکار مناسبی پیشنهاد و ارائه گردد. راه حل مورد نظر در این رابطه، مکانیسم و رهیافتی با عنوان هم تکمیلی می باشد.

مفروضه بنیادی رهیافت مزبور آن است که، صرف نظر از سیاست‌ها و برنامه‌های به کار گرفته شده از سوی دولتها و کشورها، چون منابع موجود بر روی زمین به طور همسان توزیع نشده‌اند، لذا هیچ مکان جغرافیایی به تنهایی قادر به تأمین نیازهای ساکنان خود نمی باشد. از این رو گریزی از آن وجود ندارد که مکانها و نواحی جغرافیایی در چارچوب یک همکاری و مشارکت گسترده و با کمک یکدیگر، به رفع نیازها و مشکلات خود بپردازند (Omidi, 2009: 29-31). این همکاریها می تواند در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی صورت بگیرد و علاوه بر آن در سطوح گوناگون فروملی و فراملی مطرح گردد.

یکی از موضوعات مهم مورد توجه برنامه‌ریزان، مسأله عدم تعادل و نابرابری در سطوح توسعه یافتگی میان مکانهای جغرافیایی است. بعد از جنگ جهانی دوم، مسأله توسعه مناطق محروم ذهن بسیاری از پژوهشگران و نیز دولتها را به خود مشغول نموده و الگوها و مدل‌های متعددی در این رابطه مطرح گردیده است (Hemmati, 1990: 39). در غالب طرح‌ها و مدل‌های ارائه شده، توسعه مناطق محروم به صورت نقطه‌ای و منفرد مورد نظر قرار گرفته است که در بیشتر موارد، این مدل از کارایی چندانی برخوردار نبوده است (Ibid).

بر خلاف مدل‌های پیشین، الگو و مدل مورد نظر در این مقاله، الگویی خوشه‌ای است که طی آن مکانها و نواحی جغرافیایی در چارچوب زنجیره‌ای از مکان‌های مکمل و از طریق همکاری‌های دو یا چند جانبه، به سطحی از توسعه متوازن دست می‌یابند. علاوه بر آن، از این طریق امکان نیل به محیطی آکنده از صلح، ثبات و امنیت در روابط میان مکانها به وجود می‌آید (Hafeznia and Kavianirad, 2004: 60-61). مطابق رهیافت هم تکمیلی، منطقه جنوب شرق ایران به عنوان نمونه، در این مقاله مورد پژوهش قرار گرفته و نحوه اجرا و پیاده‌سازی رهیافت فوق در این منطقه از کشور و با هدف حل مسأله توسعه نیافتگی منطقه،

مطرح گردیده است.

مقاله حاضر از حیث نوع پژوهش در زمره پژوهشهای کاربردی است و از نظر هدف جزو تحقیقات حل مسأله (مسأله‌محور) می‌باشد و مبتنی بر شیوه توصیف و تحلیل است. لازم به ذکر است، از آنجا که مبانی و مفروضات و مفاد این مقاله مبتنی بر تأملات فکری نویسندگان مقاله بوده و بخش عمده‌ای از مطالب آن حاصل ایده‌پردازی آنان است، لذا به‌طور طبیعی از منابع و ارجاعات محدودی استفاده به‌عمل آورده‌اند. به‌عبارت روشن‌تر، این مقاله به‌منزله یک تولید فکری است و خصلتی نظریه‌پردازانه دارد. از این‌رو، میزان اتکای آن به منابع دیگر بسیار ناچیز است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- مفهوم هم‌تکمیلی

به‌لحاظ مفهومی، راهبرد هم‌تکمیلی عنوان یک چارچوب و سازوکار عملیاتی است که در قالب رویکردی کارکردگرایانه مطرح است.

مفروضه بنیادی این راهبرد آن است که، چون میزان و نحوه توزیع منابع محیطی و جغرافیایی در سطح زمین فاقد الگوی همسان بوده و از نابرابری‌های گسترده برخوردار است، لذا هیچ مکان جغرافیایی به‌تنهایی قادر به تأمین همه نیازهای ضروری ساکنان خود نمی‌باشد. از همین‌رو، مکانهای جغرافیایی برای تأمین منابع مورد نیاز خود، به‌شدت به مکان‌های دیگر نیازمند و وابسته‌اند. بر این اساس، هر مکان جغرافیایی در هر سطح و مقیاس، واجد دو دسته از مؤلفه‌های محیطی و جغرافیایی است:

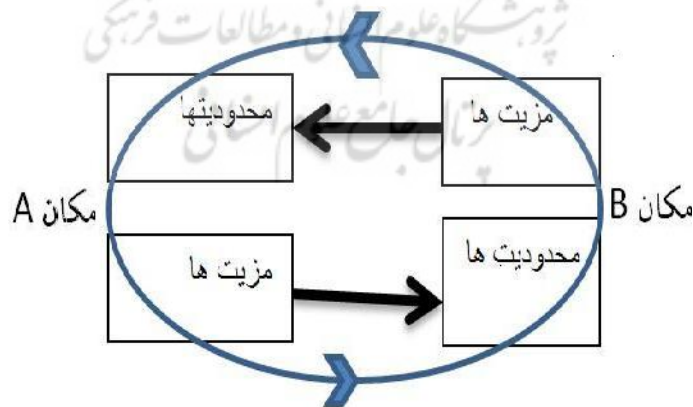
۱- منابع و مزیت‌هایی که در اختیار دارد؛

۲- کاستی، کمبود و محدودیت‌هایی که در زمینه منابع ضروری با آن روبروست.

از سوی دیگر، افراد ساکن در یک مکان جغرافیایی برای تأمین مایحتاج خود به‌دنبال منابعی هستند که خود فاقد آن می‌باشند. در حالی‌که این منابع در سایر مکانها و مناطق جغرافیایی

به‌وفور یافت می‌شود.

بنابراین همان‌گونه که افراد و گروه‌ها در طول زندگی خود به فراخور توانایی‌ها از یک‌سو و نیازها و محدودیتها از سوی دیگر، وارد یک چرخه جبری و واقعی تعامل و همکاری متقابل برای مرتفع ساختن نیازهای خود با افراد و گروه‌های دیگر می‌شوند، مکان‌های جغرافیایی نیز برای بقا و استمرار خود از همین قاعده جبری و الگوی واقعی، پیروی می‌کنند (Mitrany, 1948: 350). به‌طور مثال، اگر مکان A واجد یک دسته ظرفیت و مزیت‌های محیطی مثلاً در زمینه آب و خاک و شرایط مساعد اقلیمی باشد و در عین حال، در زمینه منابع معدنی نظیر نفت و گاز و نیروی انسانی متخصص با محدودیت و کمبودهای اساسی مواجه باشد، از نظر عینی و واقعی، گریزی از آن نخواهد داشت که وارد یک چرخه از روابط متقابل و تعامل و داد و ستد با مکان B گردد. بدیهی است در نتیجه تعامل میان دو مکان A و B، نیازها و کمبودهای متقابل هر دو مکان از این طریق تأمین و برآورده خواهد شد و این به‌طور روشن اسباب شکل‌گیری فرایندی است که آن را فرایند «هم‌تکمیلی» می‌گویند. چرا که طی فرایند مزبور، دو مکان جغرافیایی به رفع نیاز، خلا و کمبودهای همدیگر می‌پردازند و از همین‌رو هریک از مکانهای مزبور در حکم مکمل یکدیگر قلمداد می‌شوند.



شکل شماره ۱: چرخه هم‌تکمیلی

لازم به ذکر است، راهبرد هم‌تکمیلی از حیث مفهومی و کارکردی، قرابت و هم‌پوشانی

نسبی با دو نظریه همگرایی^۱ و وابستگی متقابل^۲ دارد، لیکن در عین حال، واجد تمایز و تفاوت‌هایی نیز با دو نظریه مزبور می‌باشد که در اینجا ابتدا به مبانی و مفروضه‌های نظری راهبرد هم‌تکمیلی و سپس به وجوه تشابه و تفاوت آن با دو نظریه همگرایی و وابستگی متقابل پرداخته می‌شود:

۲-۲- مبانی و مفروضه‌های نظری راهبرد هم‌تکمیلی

- ✓ واقعیت و عینیت اختلاف و تفاوت‌های موجود در سطح مکانهای جغرافیایی از نظر میزان و نحوه توزیع منابع محیطی و جغرافیایی؛
- ✓ واقعی و عینی بودن نیاز افراد و گروه‌های انسانی و به تبع آنها مکان‌های جغرافیایی، به منابع محیطی جهت تأمین نیازهای ضروری خود (Kazemi, 1991: 108)؛
- ✓ واقعی و ضروری بودن روابط میان افراد، گروه‌ها و مکانهای جغرافیایی به دو شکل همکاری و نزاع (Hafeznia, 1999)؛
- ✓ واقعیت داشتن عدم امکان تأمین همه نیازهای فردی و گروهی، به صورت مستقل و منفرد؛
- ✓ الزامی و گریزناپذیر بودن برقراری پیوند و تعامل میان افراد، گروه‌ها و مکانهای جغرافیایی در قالب یک چرخه مشارکت و همکاری متقابل.

۲-۳- تشابه و هم‌پوشانی نسبی راهبرد هم‌تکمیلی با دو نظریه همگرایی و وابستگی متقابل

- ✓ موضوعیت و اهمیت تفاوت‌های محیطی در هر سه رهیافت؛
- ✓ ویژگی کارکردی در هر سه رهیافت؛
- ✓ تأکید بر تماس و روابط دو یا چندجانبه میان مکان‌های جغرافیایی در هر سه رهیافت؛
- ✓ دستیابی به محیطی آکنده از ثبات، صلح و امنیت پایدار به عنوان هدف نهایی در هر سه رهیافت (Koehane & Ney, 1977: 225).

1 - Integration

2 - Complex interdependence

۴-۲- تفاوت‌های میان راهبرد هم‌تکمیلی با دو نظریه همگرایی و وابستگی متقابل

✓ در راهبرد هم‌تکمیلی، نقش عامل جغرافیایی نسبت به دو نظریه همگرایی و وابستگی متقابل، از اهمیت و برجستگی بیشتری برخوردار است؛

✓ تحلیل‌های مربوط به دو نظریه هم‌گرایی و وابستگی متقابل، عمدتاً در سطح و مقیاس دولت‌های ملی و کشورها مطرح می‌شود (Dougherty, 1996: 25). حال آنکه در راهبرد هم‌تکمیلی، این تحلیل طیف وسیعی از سطوح و مقیاس‌ها از خردترین روابط میان دو فرد تا بالاترین سطح در مقیاس جهانی را در بر می‌گیرد و مشتمل بر تحلیل روابط میان افراد، گروه‌ها، سطوح محلی، ناحیه‌ای، ملی و بالاخره سطح بین‌المللی و جهانی است؛

✓ در راهبرد هم‌تکمیلی، زمینه و عرصه‌های روابط میان مکانهای جغرافیایی از گستردگی بیشتری برخوردار بوده و شامل عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی است. در حالی که نظریه‌های همگرایی و وابستگی متقابل عمدتاً ناظر به عرصه‌های اقتصادی و امنیتی است؛

✓ ویژگی تئوریک در نظریه‌های همگرایی و وابستگی متقابل از غلبه بیشتری برخوردار است (Seifzade, 2010: 55). حال آنکه در راهبرد هم‌تکمیلی، بر ویژگی کاربردی و عملیاتی تأکید می‌شود؛

✓ در نظریه‌های همگرایی و وابستگی متقابل، مجاورت جغرافیایی واحدهای متعامل و قرابت‌های فرهنگی، قومی، زبانی و ایدئولوژیک، در زمره مفروضه‌های اساسی است (Ibid). حال آنکه در راهبرد هم‌تکمیلی، مجاورت جغرافیایی و قرابت فرهنگی، قومی و ایدئولوژیک، شرط الزامی و اساسی محسوب نمی‌شوند. به طوری که فرایند هم‌تکمیلی می‌تواند در رابطه با مکانهای جغرافیایی غیرمجاور و نیز غیرمشابه از نظر فرهنگی و ایدئولوژیک مطرح باشد. کانتوری و اشپیگل پیدایش و میزان همگرایی را معلول چهار عامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی می‌دانند و معتقدند، همبستگی اجتماعی و تشابه ابعاد اجتماعی کشورهای عضو یک نظام منطقه‌ای، نقش اساسی در بروز همگرایی دارد (Cantori and Spiegel, 1970: 10-11).

۲-۵- حوزه‌ها و زمینه‌های هم‌تکمیلی

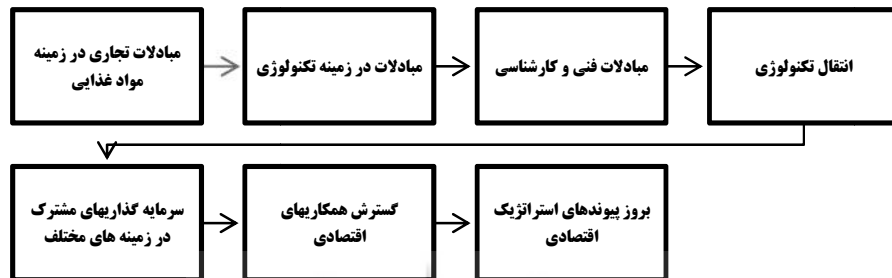
فرایند هم‌تکمیلی میان مکانها و مناطق جغرافیایی می‌تواند در حوزه‌های گوناگونی مطرح و مورد بررسی قرار بگیرد؛ لیکن در قالب کلی، می‌توان این فرایند را در چهار زمینه سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی مطرح نمود که در اینجا به تفکیک پیرامون هر یک از محورهای فوق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۵- حوزه اقتصادی

بدون تردید می‌توان گفت که مناسبات اقتصادی میان مکانها و مناطق جغرافیایی، نقطه آغاز شکل‌گیری فرایند هم‌تکمیلی و ملموس‌ترین مرحله از این فرایند است. شکی نیست که نیاز افراد و مکانهای جغرافیایی به منابع حیاتی و اولیه زندگی نظیر آب و غذا، جزو نخستین و اصلی‌ترین انگیزه‌های برقراری ارتباط میان انسانهاست. از طرفی، وجود تفاوت‌های آشکار و نابرابریهای ناشی از میزان و نحوه توزیع منابع مادی در سطح زمین و نیاز فزاینده انسانها به این منابع، واقعیتی انکارناپذیر است. رشد مداوم و تصاعدی جمعیت و بروز ضرورت‌های ناشی از نیازهای غذایی و خدمات در زمینه تأمین اقلام غذایی، آب، نیازهای درمانی، آموزشی و مسکن و دیگر کالاهای خدماتی و مصرفی، واقعیت‌های مشهودی هستند که فشار بی‌امانی را متوجه منابع محدود محیطی می‌سازند. محدودیت منابع موجود و توزیع نابرابر آنها در سطح زمین که بقا و استمرار زندگی انسانها وابسته بدان است، امکان تأمین نیازها توسط مکانهای جغرافیایی را به تنهایی، نمی‌دهد. صرف‌نظر از سیاست‌های اقتصادی و دخالت عامل انسانی در بروز نابرابری و شکافهای اقتصادی میان مناطق، شرایط طبیعی و ویژگی‌های متفاوت مکانها از حیث موقعیت جغرافیایی، نقش پررنگی را در بروز نابرابری و عدم توازن محیطی بر عهده دارد. عامل موقعیت مطلق جغرافیایی موجب پیدایش اشکال متنوعی از شرایط اقلیمی در سطح سیاره زمین گردیده که پیامد مستقیم آن وجود اختلافات فاحش در زمینه دما و نزولات جوی میان مناطق جغرافیایی است که این به‌نوبه خود دسترسی به منابع آب و خاک و تأمین نیازهای غذایی ساکنان مناطق مختلف را به مسأله پیچیده‌ای مبدل ساخته است. به‌طوری‌که در مقابل

مناطق برخوردار از منابع مناسب و کافی آب و خاک، قلمروهای وسیعی در موقعیت‌های خشک و نیمه خشک زمین از این جهت در محدودیت و مضیق به سر می‌برند. مسلماً شرایط موجود سبب می‌شود که ساکنان مناطق خشک زمین در زمینه تأمین نیازهای غذایی خود، به شدت وابسته و متکی به مکانهای برخوردار از این جهت قرار بگیرند. همین وضعیت را می‌توان در خصوص منابع اولیه معدنی ملاحظه نمود. به طور مثال، از میان ذخایر شناخته شده سوختهای فسیلی، حجم قابل توجهی از آن فقط در چند منطقه محدود از سیاره زمین انباشته شده و مناطق بسیار دیگری را که فاقد این منابع حیاتی هستند، نیازمند خود ساخته‌اند (Koul, 1986: 229-254).

علاوه بر موارد یاد شده، اختلافات ناشی از سطح توسعه‌یافتگی میان کشورها و مناطق جغرافیایی نیز باعث شکل‌گیری نابرابریهای گسترده میان مناطق مختلف در سطح زمین گردیده است (Koul, 1986: 42-48). واقعیت‌های فوق مبین این حقیقت آشکار است که، بخشها و قطعات مختلف زمین به طور گسترده‌ای به یکدیگر نیازمند و وابسته‌اند و چاره‌ای از ورود به فرایند همکاری و هم‌تکمیلی با یکدیگر ندارند. پروسه هم‌تکمیلی در زمینه اقتصادی، معمولاً با پائین‌ترین سطوح همکاری آغاز می‌شود و در طول زمان و طی روندی تکاملی، به پیوندهای عمیق و گسترده منتهی می‌گردد. بر این اساس، غالباً مناسبات اقتصادی با مرحله مبادلات تجاری بویژه در زمینه مواد غذایی آغاز می‌شود و در گام بعدی، به شکل مبادلات فنی و تکنولوژیک ظاهر می‌گردد. در صورت تداوم روابط اقتصادی میان دو مکان جغرافیایی و عبور از مرحله مبادلات تجاری، در گام پیشرفته‌تر در این زمینه، به سرمایه‌گذاری‌های مشترک و انتقال تکنولوژی منجر می‌گردد. به دنبال این مرحله، مبادلات فنی و کارشناسی و در نهایت در کامل‌ترین مرحله همکاری، به پیوندهای وسیع اقتصادی می‌انجامد. شکل شماره ۲ بیانگر شکل کلی فرایند هم‌تکمیلی در حوزه اقتصادی است (Cantori and Spiegel, 1970: 10-11).



شکل شماره ۲: مراحل هم‌تکمیلی اقتصادی

۲-۵-۲- حوزه فرهنگی

فرایند هم‌تکمیلی در حوزه فرهنگ غالباً مستلزم وجود زمینه‌های قرابت قومی، زبانی، مذهبی و تاریخی است. بدیهی است در شرایط متعارف، وجود اشتراکات فرهنگی و قومی، بیش از هر عامل دیگر می‌تواند زمینه‌ساز پیوند و همکاری در میان مکان‌های جغرافیایی باشد (Cantori and Spiegel, 1970: 607). زیرا احساس نزدیکی در حوزه فرهنگ، معمولاً باعث نزدیکی و پیوند در سایر حوزه‌ها می‌شود. شکی نیست که مبانی اعتقادات و خاستگاه مشترک قومی و زبانی در تسریع و افزایش روند درک متقابل مکانها از یکدیگر و انطباق و هم‌پوشانی دیدگاه‌ها، اهداف و علایق فی ما بین، بیش از عوامل اقتصادی و امنیتی نقش دارند. نگاهی به ساختار ژئوپلیتیکی حال حاضر جهان گویای آن است که، به‌رغم تفاوت‌های موجود میان مکانها، عامل فرهنگ و ارزشهای مشترک، خالق دسته‌بندی‌های متنوعی از کشورها و ملت‌ها در قالب اتحادیه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی گردیده است. به گفته ساموئل هانتینگتن، جهان امروز شاهد ائتلاف و دسته‌بندی‌های جدیدی است که اساس آن ارزش‌های فرهنگی و تمدنی است (Huntington, 1995: 22).

رشد فزاینده ارتباطات جهانی و گسترش تماس‌ها میان افراد، گروه‌ها و توسعه کمی مسافرت‌ها و جابه‌جایی افراد و گروه‌ها در سطح جهان، خالق فعالیت اقتصادی بسیار پراهمیتی

موسوم به گردشگری در دنیای امروز شده است. به باور بسیاری از کارشناسان و به گواهی آمار و اطلاعات موجود، حجم جابه‌جایی و مسافرت در شرایط کنونی آن‌چنان اهمیت یافته که در برخی از کشورها، مقوله گردشگری را در جایگاه اصلی فعالیت اقتصادی قرار داده است. تا جایی که در بسیاری از کشورهای آسیایی و اروپایی، صنعت گردشگری محور فعالیت‌های اقتصادی شمرده می‌شود و بخش مهمی از درآمد و کارکردهای اقتصادی کشورها را به خود اختصاص داده است. اگرچه مهمترین کارکرد صنعت گردشگری برای اغلب کشورها، کارکرد اقتصادی در زمینه اشتغال و درآمدزایی آن است، لیکن فعالیت گردشگری علاوه بر آن، نقش بارزی در عرصه ارتباطات و مبادلات فرهنگی دارد. روشن است که مبادلات و تماس‌های فرهنگی میان گروه‌ها و مناطق جغرافیایی، در طول زمان زمینه‌آشنایی ملتها را با یکدیگر فراهم ساخته و از این طریق به فرایند تفاهم، صلح و ثبات بین‌المللی کمک می‌کند (Y.g, 2011: 36 and Ghaderi, 2004: 38). مسلماً افزایش حجم تماس و ارتباطات میان افراد، گروه‌ها و ساکنان مناطق مختلف جغرافیایی در قالب زمینه‌هایی چون گردشگری، ضمن فراهم ساختن امکان آشنایی افراد و گروه‌ها با الگوها، ارزش‌ها و دیدگاه‌های یکدیگر، به نزدیکی و همکاری میان دولتها و نهادهای سیاسی در هر کشور منجر می‌گردد که این به‌نوبه خود به حل و فصل بسیاری از تنش‌ها و مخاصمات محلی و بین‌المللی می‌انجامد و باعث گسترش ثبات و امنیت در محیط بین‌المللی می‌شود.

براساس مطالبی که مطرح گردید، به‌نظر می‌رسد حلقه‌ها و مراحل به‌هم پیوسته فرایند هم‌تکمیلی در حوزه فرهنگی، مطابق شکل شماره ۳ می‌باشد.



شکل شماره ۳: هم‌تکمیلی در حوزه فرهنگی

۲-۵-۲- حوزه امنیت

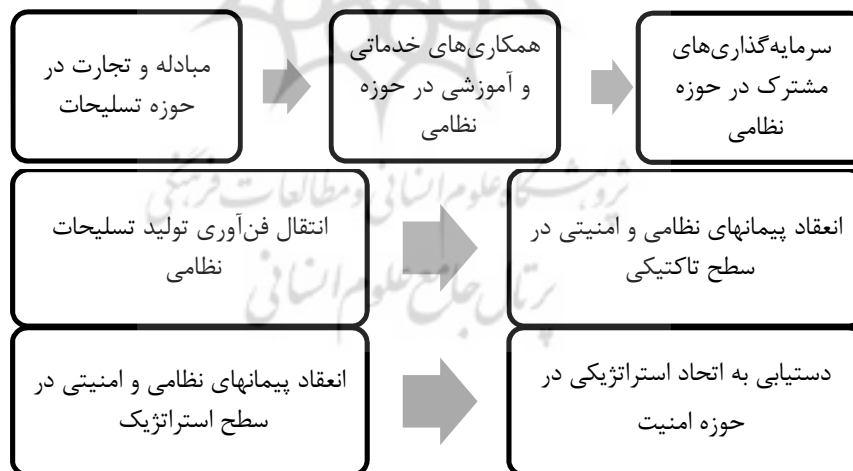
محیط زندگی انسان آکنده از انواع و اشکال خطرات و تهدیدهای بی‌شمار است. با وجود پیشرفت‌های خارق‌العاده‌ای که بشر امروز در عرصه ابزار و تکنولوژی بدان دست یافته و به کمک آن بخشی از نیروهای موجود در طبیعت را تحت انقیاد و کنترل خود در آورده است، اما زندگی انسان همچنان در معرض مخاطرات و آسیب‌های جدی طبیعی و غیرطبیعی قرار دارد. شکی نیست که وجود سلاحهای مخرب کشتار جمعی، آثار ویرانگر فعالیت‌های صنعتی انسانها که منابع محیط زیست را در معرض نابودی قرار داده، وقوع جنگ‌های ویرانگر در نواحی مختلف، گسترش غیرقابل کنترل فقر، بیماری، بیکاری و عقب‌ماندگیهای ناشی از شکاف جهانی، به‌همراه محدودیت شدید منابع محیطی، وقوع خشکسالی‌های متوالی، روند رو به رشد مصرف‌گرایی و غلبه فرهنگ و اندیشه داروینستی بر جامعه بشری و ده‌ها مورد از این

قبیل، محیطی بسیار مخاطره‌آمیز را برای جامعه انسانی رقم زده است (Hemmati, 1990: 50).
(and Rezaei, 2012: 10).

تا پیش از توسعه و پیشرفت تکنولوژی بویژه تکنولوژی ارتباطات، عمدی خطرات و تهدیدات به اقدامات نظامی و سخت‌افزاری دولتهای رقیب نسبت به یکدیگر محدود می‌شد. لیکن در دنیای امروز و در سایه پیشرفت فن‌آوریهای نوین، اشکال متنوع و جدیدی از تهدیدات به عرصه روابط میان ملتها و کشورها گام نهاده‌اند و موضوعات بی‌شماری را در حوزه امنیت خلق نموده‌اند که هرگز با گذشته قابل مقایسه نیست. اگر در گذشته تعداد سربازان و میزان تسلیحات معیار قدرت و توانمندی به حساب می‌آمد، امروزه ابزارهایی چون رسانه‌ها، شبکه‌های رادیو تلویزیونی، صنعت سینما، ماهواره‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه اینترنت، مطبوعات، کتاب، موسیقی، هنر و از همه مهمتر، پدیده جهانی‌سازی، در حکم ابزار و تسلیحات نوینی به شمار می‌روند که نه تنها مرزها و قلمرو حاکمیت کشورها، بلکه مبانی اعتقادات و اصول و ارزشهای حیاتی آنان و نظام‌های تربیتی، آموزشی و ساختار فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی ملتها را با چالش و خطرات گسترده‌ای مواجه ساخته‌اند. به طوری که مفهوم تهدید و امنیت را از موضوع و زمینه‌های محدودتر گذشته، به موضوعات و زمینه‌های متنوع و گسترده‌تری مبدل کرده‌اند. امروزه واژه‌هایی نظیر جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، جاسوسی و تروریسم اطلاعاتی، جنگ سایبری، هک، سرقت و جرائم الکترونیکی و ده‌ها مورد مشابه، اصطلاحات عادی و روزمره‌ای به شمار می‌آیند که در گفتگوهای عادی میان مردم به کار می‌روند (Golshan pajoh, 2012: 36-37).

در چنین شرایطی، پرسش اساسی آن است که، آیا کشورها و ملت‌ها با امکانات و ابزار کنترل و نظارتی که در اختیار دارند، به تنهایی قادر به مقابله با این حجم از خطرات و تهدیدات امنیتی نامحسوس که موجودیت و بنیادهای بقا و استمرارشان را هدف گرفته‌اند، هستند؟ واقعیت آن است که، حتی جوامع پیشرفته در آمریکا و اروپا نیز به تنهایی قدرت مهار و کنترل این قبیل تهدیدات را ندارند چه رسد به مناطق و کشورهایی که به مراتب از بنیه تکنولوژیکی ضعیف‌تری بهره‌مندند.

به‌نظر می‌رسد با توجه به گستردگی و حجم تهدیدات محیطی اعم از مخاطرات طبیعی و انسانی، در شرایط کنونی هیچ مکان و واحد جغرافیایی در هیچ نقطه از عالم به‌تنهایی و با اتکا به منابع و امکانات داخلی، توان رویارویی با تهدیدات فزاینده مزبور را ندارد و هیچ کشوری به‌تنهایی توان صیانت از امنیت خود را نداشته و قادر به تضمین استقلال خود به‌مدت طولانی نیست. در چنین شرایطی، برای مکانها و مناطق جغرافیایی گریزی از آن نیست که با اتکا به هم‌افزایی منابع و امکانات خود در سایه همکاری و مشارکت جدی و در قالب یک شبکه به‌هم پیوسته از حلقه‌های هم‌تکمیلی، به طراحی و اجرای استراتژی امنیت گروهی بپردازند و از این طریق خلاءهای امنیتی یکدیگر را مرتفع سازند. از آنجا که شایع‌ترین و ملموس‌ترین زمینه‌های مربوط به تهدید و امنیت غالباً در شکل نظامی مشاهده می‌شوند، لذا برقراری پیوندهای نظامی و همکاریهای دو یا چندجانبه در این زمینه، سرآغاز مسائل مرتبط با حوزه امنیت است. بر این اساس، می‌توان فرایند هم‌تکمیلی در حوزه امنیت را مطابق شکل شماره ۴ نشان داد:



شکل شماره ۴: هم‌تکمیلی در حوزه امنیت

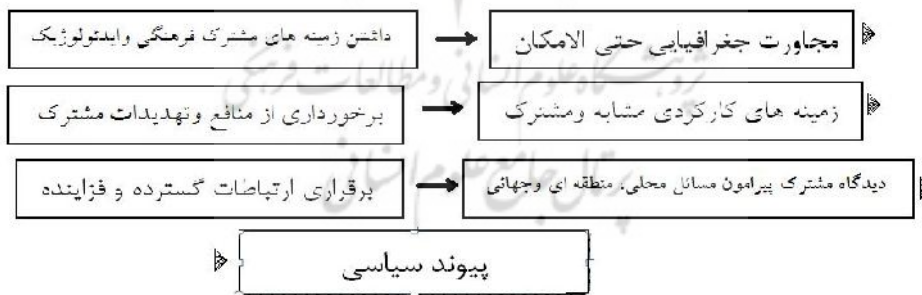
۳-۵-۲- حوزه سیاسی

نظر به اینکه فرایند هم‌تکمیلی روندی تدریجی و گام به گام بوده و مشتمل بر مراحل و حلقه‌های به‌هم پیوسته و متوالی است که در طول زمان میان مکانهای جغرافیایی شکل

می‌گیرد، پیوند و هم‌تکمیلی سیاسی را که عمدتاً در مقیاس ملی و بالاتر مطرح می‌شود، می‌توان نقطه اوج و حلقه نهایی و مرحله پایانی این فرایند به حساب آورد. به عبارت روشن‌تر، مکانهای جغرافیایی مناسبات خود را از پایین‌ترین سطوح و زمینه‌های ممکن آغاز کرده و در طول زمان مراحل پیوند و همکاری را مرتباً به سمت کمال پیش می‌برند. تاجایی که در کامل‌ترین و بالاترین سطح همکاری، به پیوستگی و هم‌تکمیلی کلان و استراتژیک که همانا پیوستگی سیاسی است، دست می‌یابند. در این مرحله، پیوند میان مکانها در دو زمینه نگرش و کارکردهای سیاسی پدید می‌آید و از جهت‌گیری‌ها، منافع، علائق و دیدگاه‌های مشابه و مشترک متأثر می‌گردد و تا آنجا پیش می‌رود که بعضاً به ادغام و یکپارچگی واحدهای متعامل می‌انجامد (Frankel, 1992: 84). در این مرحله، مجاری پیوند و همکاری از آنچنان گستردگی برخوردار است که علاوه بر پیوند میان نهادها و سازمانهای متعلق به هر یک از کشورها، شامل ارتباطات گسترده میان افراد، گروه‌ها و تشکلهای غیرنهادی نیز می‌شود.

مطابق آنچه که بیان گردید، مدل و نمودار مفهومی هم‌تکمیلی سیاسی را می‌توان به صورت

شکل شماره ۵ نشان داد:



شکل شماره ۵: هم‌تکمیلی در حوزه سیاسی

۶-۲- فرایند هم‌تکمیلی و مراحل آن

همچنان‌که پیشتر بیان گردید، فرایند هم‌تکمیلی یک جریان تدریجی و گام به گام است که مشتمل بر حلقه‌ها و مراحل به هم پیوسته و متوالی است که طی آن مکانهای جغرافیایی در

طول زمان و بنا به وجود نیازهای متقابل، در قالب یک شبکه و نظام گروهی به مشارکت و همکاری می‌پردازند.

پرسش مهمی که در این رابطه وجود دارد آن است که، نقطه آغاز و مبدأ شکل‌گیری این فرایند چیست و به کدام زمینه همکاری مربوط است؟ همچنین مرحله و گام نهایی در این فرایند کدام حوزه همکاری متقابل است؟

اگرچه در نگاه اولیه چنین به نظر می‌رسد که اشتراکات قومی، زبانی، تاریخی و نیز مجاورت جغرافیایی، سرآغاز شکل‌گیری فرایند مزبور باشد، لیکن با توجه به مبنا و انگیزه واقعی و عینی بروز تماس و ارتباط میان افراد، گروه‌ها و مکانهای جغرافیایی که ناشی از نیاز متقابل است و در این رابطه ملموس‌ترین زمینه نیاز متقابل، به حوزه تأمین منابع اولیه زندگی نظیر آب، غذا و سایر نیازهای اولیه حیاتی مربوط است (Coper, 1968: 159-160). به نظر می‌رسد مشارکت در حوزه اقتصاد سرآغاز پیوندهای هم‌تکمیلی بوده و در طول زمان سایر حوزه‌ها را در برمی‌گیرد (Mitrany, 1948: 350-365). اگرچه برقراری پیوندهای اقتصادی می‌تواند تحت تأثیر عوامل و زمینه‌های قومی، زبانی، مذهبی، تاریخی و فرهنگی از عمق و گستردگی بیشتری برخوردار شود، لیکن به‌رغم تصور اولیه، عامل قرابت فرهنگی و مجاورت جغرافیایی لزوماً نقش مطلق در افزایش پیوند در زمینه‌هایی چون اقتصاد را ندارد و به‌عنوان یک قاعده و روند کلی و عمومی محسوب نمی‌گردد. ملاحظه شرایط عینی و بیرونی در مناطق مختلف نشان می‌دهد، علی‌رغم آنکه در برخی مناطق وجود زمینه‌های فرهنگی مشترک می‌تواند نقش محوری در بروز پیوندهای متقابل در سایر حوزه‌ها را داشته باشد، متقابلاً در مناطق دیگری نظیر خاورمیانه، شمال آفریقا، شرق آسیا و حتی اروپا، روند واقعی عکس این تصور را نشان می‌دهد.

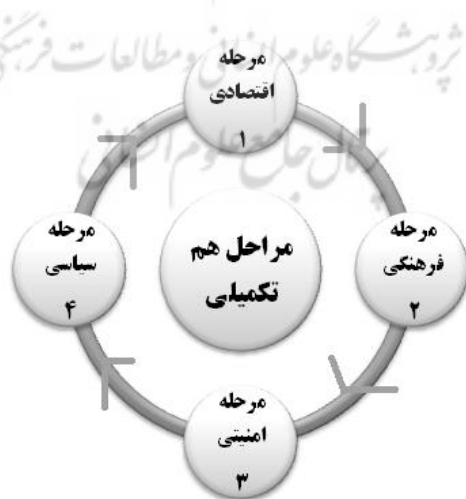
به‌عنوان نمونه، در شرایط فعلی اصلی‌ترین شرکای اقتصادی کشوری نظیر ایران، کشورهای مجاور هم‌مرز با آن و یا کشورهای مسلمان مجاور که دارای زمینه‌های فرهنگی و تاریخی مشترکی با ایران هستند، نمی‌باشند. چنین وضعی را می‌توان در مورد کشورهای عضو سازمان منطقه‌ای اکو نیز ملاحظه کرد (Omid, 2009: 198 and Oshloghi and Pakdaman, 2009).

(2013: 18).

همچنین این شرایط را می‌توان در مورد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای عضو اتحادیه عرب و در سطحی بالاتر برای کشورهای عضو کنفرانس اسلامی مطرح نمود (Hafeznia and Zarghani, 2012: 11). بنابراین، به‌رغم آنکه وجود زمینه‌های فرهنگی مشترک می‌تواند در سایر حوزه‌ها در روند پیوستگی و روابط متقابل میان مکانهای جغرافیایی تأثیرگذار باشد، لیکن این اثرگذاری امری نسبی بوده و به‌منزله پیوندی مطلق و عمومی نیست و بسته به مناطق مختلف، دارای اثرات متفاوتی است.

بنا به آنچه بیان شد، به‌نظر می‌رسد مناسبات اقتصادی حلقه نخست و نقطه آغاز فرایند هم‌تکمیلی بوده و مناسبات و پیوندهای سیاسی و استراتژیک، در حکم آخرین و بالاترین سطح مناسبات هم‌تکمیلی به‌شمار می‌آید. روشن است در این بین، دو حلقه فرهنگی و امنیتی نیز به ترتیب مراحل دوم و سوم این فرایند را تشکیل می‌دهند.

براین اساس، اینک می‌توان نمودار کلی و مراحل و حلقه‌های به‌هم پیوسته فرایند هم‌تکمیلی را مطابق شکل شماره ۶ ارائه نمود.



شکل شماره ۶: نمودار کلی فرایند هم‌تکمیلی و حلقه‌های چهارگانه به‌هم پیوسته آن

۷-۲- اشکال و سطوح هم‌تکمیلی

باتوجه به تفاوت‌های موجود میان مکان‌های جغرافیایی از حیث ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، مشاهده مکان‌های کاملاً همسان و مشابه به‌ندرت امکان‌پذیر است.

از این‌رو طی فرایند همکاری و مناسبات دوجانبه، لزوماً هر دو طرف همکاری و تعامل همواره از وزن و قابلیت‌های یکسان برخوردار نیستند. به‌همین جهت، در فرایند هم‌تکمیلی غالباً یکی از دو طرف تعامل از مزیت و قابلیت‌های بیشتر نسبت به طرف مقابل برخوردار است که این به شکل‌گیری مناسبات دوسویه نامتوازنی منجر می‌گردد. به‌طور مثال، میزان و حجم مناسبات میان کشورهای توسعه‌یافته شمال با کشورهای جنوب، هرگز منطبق بر الگویی برابر از سطوح همکاری‌های فی‌ما بین نمی‌باشد. این شکل از مناسبات میان مکان‌ها را می‌توان الگوی نامتقارن یا عمودی قلمداد نمود. واضح است در مناسبات نامتقارن، همواره مناطق قوی‌تر از تراز مثبت و مناطق ضعیف‌تر از تراز منفی برخوردار خواهند بود. در چنین حالتی، مناسبات هم‌تکمیلی در واقع شکلی از وابستگی را پدید می‌آورد. چنانچه فرایند مناسبات هم‌تکمیلی میان مکان‌هایی صورت بگیرد که به‌طور نسبی از شرایط و قابلیت‌های مشابه و یکسانی برخوردار باشند، در آن صورت با نوعی از هم‌تکمیلی متقارن یا افقی مواجه خواهیم بود.

علاوه بر دو شکل فوق، اگر مناسبات میان مکان‌ها مشتمل بر حوزه‌های متنوع و متعددی باشد، در آن حالت با نوعی هم‌تکمیلی چند متغیره روبه‌رو هستیم و برعکس، چنانچه حوزه و زمینه همکاری به یک زمینه خاص مثلاً اقتصادی محدود باشد، در چنین حالتی، با هم‌تکمیلی تک متغیره سروکار داریم. حال اگر حجم مناسبات میان طرفین، همه حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی را در بر بگیرد، فرایند هم‌تکمیلی از نوع کامل و همه‌جانبه پدید خواهد آمد که مسلماً مطلوب‌ترین شکل هم‌تکمیلی و بالاترین سطح پیوند و همکاری میان مکان‌های جغرافیایی را پدید خواهد آورد.

۸-۲- اهداف و آثار هم‌تکمیلی

باتوجه به زمینه‌ها و حوزه‌های چهارگانه‌ای که برای فرایند هم‌تکمیلی عنوان گردید، فرایند یاد

شده اهداف و پیامدهای متعددی را به همراه دارد که از آن میان، دستیابی به سطح قابل قبولی از توسعه و نیز ایجاد ثبات و امنیت پایدار در محیط جغرافیایی، در رأس این هدفها قرار دارند (Deutsch, 1957: 5).

در اغلب مدلها و استراتژیهای توسعه، معمولاً توسعه مکانها و نواحی جغرافیایی به صورت نقطه‌ای و منفرد و در قالب مکان‌های مستقل و جدا از هم صورت می‌گیرد. در حالی که مطابق الگوی هم‌تکمیلی، اساساً توسعه پدیده‌ای جمعی و گروهی محسوب می‌گردد. لذا توسعه هر مکان، در گرو توسعه مکان یا مکان‌های دیگر است. به عبارت روشن‌تر، طی این فرایند، دویا چند مکان جغرافیایی ضمن تبادل مزیت‌ها و محدودیتهای خود با یکدیگر از طریق همکاری‌های متقابل، به نوعی داد و ستد متقابل می‌پردازند و موجب تکمیل فرایند توسعه همدیگر می‌شوند که حاصل آن دستیابی هم‌زمان طرفهای همکاری به مواهب توسعه‌یافتگی یکپارچه و شبکه‌ای از مکان‌های وابسته به هم است. بنابراین در فرایند هم‌تکمیلی، توسعه حالتی زنجیره‌ای و خوشه‌ای دارد نه نقطه‌ای و منفرد. روشن است در چنین وضعیتی، امکان برقراری توازن فضایی در یک گستره بزرگ جغرافیایی وجود خواهد داشت. به کارگیری الگوی فوق بویژه در کشورها و مناطق کمتر توسعه‌یافته که از نابرابری و عدم تعادل و توازن فضایی میان مناطق مرکزی و پیرامونی خود رنج می‌برند، بسیار کارساز بوده و نتایج مثبتی به دنبال دارد. به هر حال، دستیابی مناطق مختلف جغرافیایی به سطوح مطلوبی از توسعه و پیشرفت از طریق این فرایند، علاوه بر تسریع در نیل به توسعه و پیشرفت گروهی مکانهای عقب‌مانده، نقش مؤثری در حل و فصل اختلافات و کشمکش‌های موجود میان نواحی جغرافیایی خواهد داشت که به دنبال آن، فضایی از صلح، ثبات و امنیت پایدار جایگزین رقابت و ناامنی‌های گوناگون خواهد گردید. مطابق آنچه ذکر شد، می‌توان اهداف و نتایج حاصل از فرایند هم‌تکمیلی میان نواحی جغرافیایی را به صورت فهرست‌وار چنین برشمرد:

۱. افزایش تماس و روابط دو یا چندجانبه میان مکانهای جغرافیایی (Seifzade, 2010: 334)؛
۲. افزایش مشارکت و همیاری متقابل میان مکان‌های جغرافیایی بر محور منافع و اهداف مشترک؛

۳. دستیابی به سطح مطلوبی از توسعه پایدار در قالب گروهی و شبکه‌ای؛
 ۴. برقرای تعادل و توازن فضایی میان مناطق و از میان رفتن شکافهای حاصل از نابرابریهای فضائی؛
 ۵. از میان رفتن زمینه‌های تنش، اختلاف و کشمکش‌های غیرسازنده میان مناطق جغرافیایی؛
 ۶. دستیابی به محیطی آکنده از ثبات، صلح و امنیت پایدار در سایه همکاری‌های متقابل.
- هم‌چنان که پیش‌تر بیان شد، رهیافت هم‌تکمیلی واجد ظرفیت‌های تبیینی و کارکردهای عملی بالایی در مقایسه با دو نظریه همگرایی و وابستگی متقابل بوده و کاربرد گسترده‌ای در حل مسائل و مشکلات متنوع محیطی در هر مقیاسی دارد و طیف متنوعی از موضوعات و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را در مناسبات میان مکان‌ها در بر می‌گیرد. در این قسمت به‌عنوان پژوهش موردی، مراحل و نحوه اجرا و پیاده‌سازی رهیافت فوق را در خصوص مسأله توسعه‌نیافتگی ناحیه جنوب شرق ایران، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است، در اینجا به‌منظور مراعات حجم صفحات مقاله و خودداری از اطاله بحث، به جزئیات تفصیلی پرداخته نمی‌شود.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- کاربرد الگوی هم‌تکمیلی در توسعه ناحیه جنوب شرق ایران

ناحیه جنوب شرق ایران در عین برخورداری از ظرفیت و مزیت‌های جغرافیایی قابل توجه، در حال حاضر به‌عنوان یکی از مناطق محروم کشور بوده و گرفتار ضعف‌ها و محدودیت‌های فراوان و گسترده‌ای است (Hafeznia & Romina, 2005: 17). متأسفانه به‌دلیل عدم توازن و تناسب میان ظرفیت‌های مثبت منطقه با ضعف‌ها و جنبه‌های منفی آن، توسعه و پیشرفت منطقه با اتکا به ظرفیت‌های داخلی آن به‌صورت مستقل و منفرد امکان‌پذیر نیست. از این‌رو به‌نظر می‌رسد مناسبترین راه حل دستیابی منطقه به سطح مناسب‌تری از توسعه‌یافتگی، برقراری پیوند آن با نواحی مکمل داخلی و خارجی در چارچوب رهیافت هم‌تکمیلی است.

فرایند پیاده‌سازی عملی الگوی هم‌تکمیلی در ناحیه جنوب شرق کشور، مشتمل بر چهار

مرحله از اقدامات به هم پیوسته است که نه تنها در مورد این ناحیه، بلکه در هر سطح و مقیاسی و در مورد هر منطقه جغرافیایی دیگر قابل به کارگیری و اجراست. مراحل یاد شده عبارتند از:

۱. بررسی موقعیت و محدوده جغرافیایی جنوب شرق ایران؛
۲. بررسی و شناسایی محدودیت‌ها و تنگناهای محیطی جنوب شرق ایران؛
۳. بررسی و تعیین ظرفیت و مزیت‌های محیطی جنوب شرق ایران؛
۴. بررسی و تعیین نواحی مکمل داخلی و خارجی جنوب شرق ایران.

۱-۱-۳- موقعیت و محدوده جغرافیایی جنوب شرق ایران

ناحیه جنوب شرق ایران با وسعتی حدود ۳۴۶۷۵۱ کیلومتر مربع، حدود یک پنجم وسعت ایران را در بر می‌گیرد که با قرار گرفتن در بین ۲۶ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ، از نظر جمعیتی طبق آمار سال ۱۳۹۰ با ۵۰۱۳۴۸۹ نفر جمعیت، از کم‌تراکم‌ترین مناطق کشور است (Statistical Centre of Iran, 2015).

نقشه شماره ۱: موقعیت جغرافیایی جنوب شرق ایران



این ناحیه از شمال به استان خراسان جنوبی، از جنوب به دریای عمان، از غرب به نیمه غربی استان کرمان و هرمزگان و از شرق با ۱۲۱۰ کیلومتر مرز خاکی، به دو کشور پاکستان و افغانستان منتهی می‌شود.

این منطقه در بخش جنوبی به دلیل مجاورت با دریای عمان و سواحل شمال غربی اقیانوس هند و همچنین دسترسی به حوزه خلیج فارس از طریق استان هرمزگان، از موقعیت نسبی قابل توجهی در چارچوب ملاحظات ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی برخوردار است. همچنین واقع شدن این منطقه در مسیر کریدور ترانزیتی جنوب به شمال، منطقه را در موقعیت بسیار کلیدی قرار داده است (Zarghani & Gholizade, 2012: 8).

نتایج حاصل از این موقعیت‌ها، نقش مهمی در دسترسی منطقه به حوزه‌های پر اهمیت شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، آبهای جنوب شبه‌جزیره عربستان و تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و بویژه حوزه خلیج فارس دارد.

هر چند مجاورت این ناحیه با دو کانون چالش و ناامنی افغانستان و پاکستان، می‌تواند آثار مخربی به همراه داشته باشد، لیکن در شرایط متعارف، دو کشور یاد شده در حکم مکمل‌های شرقی این منطقه و حلقه اتصال آن به شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی محسوب می‌شوند.

در مجموع و به‌طور اجمال می‌توان گفت، موقعیت ساحلی و مجاورت این ناحیه با پهنه آبی اقیانوس هند و همچنین قرار داشتن در مسیر کریدور ترانزیتی جنوب به شمال، در زمره مزیت‌های ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی این منطقه از کشور محسوب می‌شوند.

۲-۱-۳- محدودیت و تنگناهای محیطی جنوب شرق ایران

ناحیه جنوب شرق ایران در عین برخورداری از ظرفیت و مزیت‌های جغرافیایی قابل توجه، گرفتار ضعف‌ها و محدودیت‌های فراوان و گسترده‌ای نیز است. متأسفانه به دلیل عدم توازن و تناسب میان ظرفیت‌های مثبت منطقه با ضعف‌ها و جنبه‌های منفی آن، توسعه و پیشرفت منطقه با اتکا به ظرفیت‌های داخلی آن را به صورت مستقل و منفرد، ناممکن ساخته است. از همین رو، به نظر می‌رسد مناسب‌ترین راه‌حل دستیابی منطقه به سطح مطلوبی از توسعه‌یافتگی،

برقراری پیوند آن با نواحی مکمل داخلی و خارجی است. زیرا نگاهی به فهرست بلند ضعفها و تنگناهای منطقه و مقایسه آن با مزیت‌های موجود، به‌خوبی آشکار می‌سازد که مشکلات این ناحیه از چنان عمق و گستردگی غیرقابل وصفی برخوردار است که ظرفیت‌های موجود به‌تنهایی قادر به حل مشکلات آن نیست و به‌همین دلیل، توسعه منطقه به‌شدت در گرو همیاری سایر نواحی مجاور و غیرمجاور آن است.

مسأله عقب‌ماندگی جنوب شرق کشور معلول عوامل متعددی است که در اینجا به‌طور اجمال به چهار دلیل عمده در این رابطه اشاره می‌شود (Tavosi & others, 2012: 12).

۱- عامل طبیعی

بی‌تردید بخش مهمی از معضلات موجود در مسیر توسعه جنوب شرق ایران، ریشه در موقعیت مطلق جغرافیایی و پیامدهای ناشی از شرایط نامساعد اقلیمی آن دارد.

۲- وسعت و بُعد مسافت

عامل مهم دیگری که به‌طور مستقیم در عقب‌ماندگی این منطقه از کشور تأثیرگذار است، عامل وسعت منطقه و فاصله طولانی آن از مرکز سیاسی کشور است که باعث گردیده تا منطقه مزبور مورد غفلت واقع شده و در حاشیه قرار بگیرد (Hafeznia & Romina, 2005: 17 and Saeidi, 2007: 26).

۳- مدیریت

عامل مدیریت دولتی و بی‌توجهی یا کم‌توجهی مسئولین و برنامه‌ریزان به منطقه در طول تاریخ، از دیگر عوامل مؤثر در عقب‌ماندگی جنوب شرق کشور به‌شمار می‌آید.

۴- ساختار مرکز- پیرامون

از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در عقب‌ماندگی جنوب شرق ایران و همچنین سایر مناطق محروم کشور، سیطره خاموش و بی‌چون و چرای مدل و ساختار فضائی مرکز - پیرامون در

طی قرون متمادی برکشور بوده است (Andalib, 2001: 202).

۱-۲-۳- ضعف‌ها و محدودیتهای جنوب شرق ایران از بعد سیاسی

- ۱- ترکیب ناهمگون جمعیت منطقه از حیث کمی و کیفی؛
- ۲- ترکیب ناهمگون جمعیت منطقه از حیث قومی و فرهنگی که زمینه‌ساز بروز واگرایی‌های سیاسی می‌گردد (Khalili & Others, 2012: 2)؛
- ۳- ساخت قبیله‌ای و طایفه‌ای جمعیت که علاوه بر ایجاد رقابتهای قومی و محلی، موجب اختلال در فرایند شکل‌گیری هویت ملی می‌گردد و در نتیجه به کاهش مشارکت ملی می‌انجامد (Ebrahimzade, 2010: 141)؛
- ۴- وسعت زیاد ناحیه که مدیریت و کنترل سیاسی آن را با مشکل مواجه می‌سازد؛
- ۵- گستردگی دامنه فقر و بیکاری که زمینه‌ساز بروز نارضایتی در سطح منطقه گردیده و فرایند واگرایی‌های محلی نسبت به مرکز سیاسی کشور را تشدید می‌کند (Ibid:140)؛
- ۶- وجود احساس جدایی‌گزینی با نواحی مرکزی کشور در این منطقه، تحت تأثیر بعد مسافت و موانع و عوارض طبیعی (Ibid:141)؛
- ۷- احساس نسبی تعلق خاطر جمعیت منطقه به مناطق مجاور در کشورهای همسایه؛
- ۸- گستردگی فعالیت شبکه‌های ماهواره‌ای برون مرزی بر روی این منطقه؛
- ۹- اثرگذاری تحولات داخلی پاکستان و افغانستان بر این منطقه (Ibid:142)؛
- ۱۰- فعالیت گروه‌های تروریستی و باندهای قاچاق مواد مخدر و تأثیرات سوء امنیتی و سیاسی آن بر منطقه (Hosseinbor, 2015).
- ۱۱- نارضایتی عمومی ناشی از عدم به‌کارگیری نیروهای محلی در مدیریت‌های کلان منطقه و تأثیر آن در تشدید واگرایی‌های محلی.

۱-۲-۲- ضعف‌ها و محدودیتهای جنوب شرق از بعد اقتصادی

۱. کمبود شدید منابع آب و نزولات جوی به‌دلیل موقعیت جغرافیایی و غلبه اقلیم گرم و

خشک بر منطقه (Najar, 2006: 12)؛

۲. کمبود گسترده زمین‌های کشاورزی مرغوب و متوسط در منطقه؛
۳. ضعف و پایین بودن توان تولیدی منطقه از حیث محصولات کشاورزی و غذایی؛
۴. پائین بودن درصد جمعیت شاغل و مولد در منطقه؛
۵. تراکم پائین جمعیت و خالی بودن بخشهای وسیعی از منطقه به دلیل کوچ و مهاجرت اجباری جمعیت؛
۶. تسلط پدیده ماسه‌های روان بر منطقه که موجب تخریب زمین‌های کشاورزی و زیرساختهای اقتصادی می‌گردد؛
۷. اثرات ویرانگر خشکسالی‌های متوالی که موجب توسعه و گسترش مناطق بیابانی می‌گردد؛
۸. بروز هرساله سیل‌های ویرانگر حاصل از بارانهای موسمی اقیانوسی در منطقه (Khosravi & Porine, 2010: 2)؛
۹. فرسایش گسترده آبی و بادی خاکهای منطقه (Neghresh & Latifi, 2008: 2)؛
۱۰. کوچ و مهاجرت اجباری جمعیت و تخلیه جمعیتی نواحی شهری و روستایی که اثر منفی بر توان تولیدی منطقه دارد؛
۱۱. ضعف و فقدان شبکه مناسب مواصلاتی و حمل و نقل در منطقه؛
۱۲. ضعف شدید زیرساختها و فقدان مراکز صنعتی قابل توجه در منطقه؛
۱۳. کمبود شدید نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در منطقه؛
۱۴. پائین بودن سطح درآمد، اشتغال، آموزش و بهداشت در منطقه؛
۱۵. گسترش روز افزون مشاغل و فعالیتهای کاذب و مخربی چون قاچاق مواد مخدر و سوخت در سطح منطقه؛
۱۶. کمبود شدید سرمایه و اعتبارات مالی مورد نیاز برای انجام طرح‌های توسعه در منطقه.

۳-۲-۱-۳- ضعف‌ها و محدودیت‌های جنوب شرق از بعد فرهنگی و اجتماعی

۱- وجود ناهمگونی فرهنگی در سطح منطقه به دلیل تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی و اثرات

منفی آن بر فرایند شکل‌گیری هویت ملی؛

- ۲- سطح نازل سواد و آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی در سطح منطقه؛
- ۳- ساخت قبیله‌ای جمعیت منطقه که به‌طور طبیعی زمینه منازعات محلی را فراهم می‌سازد؛
- ۴- روحیه انزواگرایی و احساس جدایی از مرکز سیاسی کشور در سطح منطقه؛
- ۵- وجود نگاه به بیرون از مرزها و احساس عدم همبستگی فرهنگی با داخل کشور در منطقه؛
- ۶- رواج گسترده جرم و جنایت در سطح منطقه تحت تأثیر نسبی فقر و بیکاری؛
- ۷- وجود زمینه عمیق تأثیرپذیری از شبکه‌های ماهواره‌ای و برون‌مرزی در منطقه (Ebrahimzade, 2010: 140).

۴-۲-۱-۳- ضعف و محدودیتهای جنوب شرق از بعد امنیتی

- ۱- روند رو به افزایش مهاجرت و تخلیه جمعیتی منطقه که موجب بروز خلاءهای دفاعی در این بخش از کشور شده است؛
- ۲- روند رو به رشد فعالیت گروه‌های تروریستی و قاچاقچیان مواد مخدر که موجب بروز ناامنی در منطقه شده است؛
- ۳- تحولات و فرایندهای داخلی دو کشور پاکستان و افغانستان و تأثیرات مخرب امنیتی آن در منطقه جنوب شرق کشور؛
- ۴- تأثیر فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی جریان‌های معارض خارج از کشور بر منطقه (sonnat.net)؛
- ۵- روند رو به افزایش جرم و جنایت در منطقه به‌دلیل شیوع فقر و بیکاری؛
- ۶- مشکلات و ضعف‌های مرتبط با کنترل مرزها و هزینه‌های بالای آن؛
- ۷- وجود نابرابریهای فضائی ناشی از بی‌عدالتی‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین تفاوت‌های قومی و مذهبی در سطح منطقه که زمینه‌ساز بروز کشمکش‌های محلی و ناحیه‌ای بوده و امکان تبدیل آن به بحران‌های محلی و منطقه‌ای را فراهم می‌سازد (Ebrahimzade, 2010 and sonnat.net)؛

۵-۲-۱-۳- ظرفیت و مزیت‌های محیطی جنوب شرق ایران

در بخش قبلی محدودیتها و نقاط ضعف منطقه جنوب شرق مورد اشاره قرار گرفت و فهرست معضلات بالفعل و بالقوه این منطقه ارائه شد. منطقه جنوب شرق در عین ابتلا به مشکلات و محدودیتها، واجد مزیت‌ها و زمینه‌های فراوانی برای رشد و توسعه و سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است. در این قسمت، به بیان و معرفی اجمالی و فهرست‌وار این مزیت‌ها در چهار حوزه سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته می‌شود.

۶-۲-۱-۳- ظرفیت و مزیت‌های جنوب شرق از بعد سیاسی و امنیتی

- ۱- برخورداری از جایگاه ژئواستراتژیکی و پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی ناشی از موقعیت جغرافیایی؛
- ۲- دسترسی به پهنه عملیاتی بزرگ اقیانوس هند و قابلیت نظارت و کنترل خطوط تجارت دریایی در این حوزه؛
- ۳- بهره‌مندی از مزیت‌های ژئوپلیتیکی ناشی از حضور در عرصه‌های دریایی و قابلیت‌های ژئواکونومیکی متأثر از آن (Hafeznia & Romina, 2004)؛
- ۴- بهره‌مندی از موقعیت ساحلی و پیامدهای ناشی از آن در زمینه احداث بنادر، تأسیسات و پایگاه‌های نظامی دریایی؛
- ۵- مرکز ثقل و تکیه‌گاه جمهوری اسلامی ایران از حیث ژئواستراتژیکی در جناح شرقی (Akhgar, 2013: 5)؛
- ۶- دسترسی به حوزه‌های پراهمیتی چون خلیج فارس، شبه‌قاره هند، آسیای مرکزی، جنوب شرق آسیا، تنگه باب‌المندب، دریای سرخ و شرق آفریقا؛
- ۷- قابلیت اثرگذاری بر فرایندهای سیاسی، استراتژیکی و ژئوپلیتیکی حوزه‌های پیرامونی؛
- ۸- برخورداری از موقعیت ارتباطی و واقع شدن در مسیر کریدور ارتباطی و ترانزیتی جنوب به شمال و مزایای ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی ناشی از آن (Abdollahy, 2012: 2)؛

۷-۲-۱-۳- ظرفیت و مزیت‌های جنوب شرق از بعد اقتصادی

- ۱- بهره‌مندی از قابلیت بالا و بالقوه تولیدات کشاورزی در صورت تأمین آب کافی؛
- ۲- برخورداری از ظرفیت‌های ناشی از موقعیت دریایی در زمینه حمل و نقل کالا، احداث بنادر و تأسیسات دریایی در زمینه بارگیری، تخلیه و صادرات و واردات کالا، توسعه فعالیت ماهیگیری و صنعت شیلات، ایجاد صنایع کشتی‌سازی و بالاخره، قابلیت‌های مربوط به صنعت گردشگری در بخش دریایی؛
- ۳- وجود زمینه‌های گسترده سرمایه‌گذاری در منطقه در حوزه‌های کشاورزی، صنعت و معدن، حمل و نقل، گردشگری، شیلات و زیرساخت‌های خدماتی؛
- ۴- بهره‌مندی از قابلیت‌های مربوط به موقعیت ترانزیتی و ارتباطی و نقش آن در توسعه مبادلات خارجی کشور؛
- ۵- امکان اتصال به خطوط ریلی جنوب به شمال و شرق به غرب آسیا و مزایای اقتصادی ناشی از آن؛
- ۶- وجود منابع معدنی پراهمیت بویژه منابع فلزات در منطقه؛
- ۷- وجود نیروی کار فراوان و ارزان در منطقه که در زمره مزیت‌های اقتصادی قلمداد می‌شود (Hafeznia & Romina, 2004).

۸-۲-۱-۳- ظرفیت و مزیت‌های جنوب شرق از بعد فرهنگی

- ۱- وجود جاذبه‌های طبیعی، تاریخی و فرهنگی در منطقه و اهمیت آنها در حوزه گردشگری (Ebrahimzade-Esmailnejhad, 2012: 2)؛
- ۲- بهره‌مندی از موقعیت دریایی و اهمیت آن در حوزه گردشگری دریایی؛
- ۳- وجود ابنیه و آثار تاریخی کم‌نظیر در منطقه که قابلیت‌های متعددی را در زمینه توسعه گردشگری در اختیار می‌گذارد (Ebrahimzade & Others, 2010)؛
- ۴- وجود تنوع فرهنگی در سطح منطقه و مزیت‌های ناشی از آن؛
- ۵- وجود قابلیت‌های گسترده در زمینه تولید صنایع دستی نظیر فرش و ... در منطقه.

۲-۳- توسعه جنوب شرق ایران براساس راهبرد هم‌تکمیلی

فرایند توسعه براساس راهبرد هم‌تکمیلی، مشتمل بر انجام چهار مرحله اقدامات به هم پیوسته است که پیش از این بدانها اشاره شد و در اینجا تلاش می‌شود تا مراحل مزبور در مورد منطقه جنوب شرق بررسی و به مورد اجرا گذاشته شود.

مطابق این الگو، در گام نخست به بررسی موقعیت و محدوده جغرافیایی جنوب شرق ایران پرداخته می‌شود. در مرحله دوم، به بررسی مزیت‌ها و محدودیت‌های منطقه در چهار حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی پرداخته شده و اطلاعات گردآوری شده در قالب جدول داده‌های محیطی فهرست و تنظیم می‌گردد. در مرحله سوم، متناسب با داده‌های منطقه جنوب شرق، واحدها و مناطق مکمل آن در حوزه داخلی و خارجی شناسایی و تعیین می‌شود. بدیهی است طی بررسی و شناسایی مکمل‌های فوق، داده‌های محیطی هر یک از آنها را همانند جنوب شرق، به صورت جدول داده‌ها تنظیم می‌گردد. لازم به ذکر است، جهت پرهیز از بررسی‌های غیرضروری در مورد واحدهای مکمل، تنها به گردآوری آن دسته از اطلاعات که با داده‌های مربوط به جنوب شرق متناسب بوده و مرتبط است، پرداخته می‌شود.

سرانجام در مرحله چهارم، به شناسایی و معرفی زمینه‌های تعامل و همکاری میان ناحیه جنوب شرق کشور با مکمل‌های آن مبادرت می‌گردد و حوزه‌های همکاری مشخص و پیشنهاد می‌گردد. به طور مثال، ناحیه جنوب غرب کشور مرکب از دو استان خوزستان و بوشهر، می‌تواند در حوزه اقتصادی بویژه بخش کشاورزی، به تعامل و همکاری متقابل با ناحیه جنوب شرق کشور پردازد و در قالب این همکاری متقابل، به رفع خلاءهای یکدیگر پردازند.

بدیهی است تعیین و پیشنهاد دقیق زمینه همکاری متقابل میان دو ناحیه مکمل، مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات و جزئیات دقیق پیرامون داده‌های محیطی آنهاست.

طی فرایند هم‌تکمیلی، اشکال و زمینه‌های متنوعی از تعامل و همکاری‌های دو یا چندجانبه میان واحدهای جغرافیایی قابل تصور و پیش‌بینی است. به طور مثال، واحدهای مکمل می‌توانند در زمینه‌هایی چون: مبادلات تجاری، انتقال سرمایه، انتقال دانش و فن‌آوری، مبادله نیروی انسانی متخصص و ماهر، تأمین و مبادله مواد اولیه، همکاری‌های متقابل سیاسی و امنیتی،

مبادلات فرهنگی و ده‌ها زمینه همکاری متقابل دیگر، به مشارکت و همکاری با یکدیگر بپردازند. نکته قابل ذکر آن است که، برخی واحدهای مکمل در مجاورت هم قرار دارند و برخی در فاصله دورتر از یکدیگر، همین وضعیت را در مورد منطقه جنوب شرق ایران و مکمل‌های آن نیز می‌توان ملاحظه کرد. مطابق برآوردهای اولیه، در مورد منطقه جنوب شرق کشور، دو دسته واحدهای مکمل در سطح داخلی و خارجی قابل شناسایی است که در ذیل به معرفی آنها پرداخته می‌شود:

الف: مکمل‌های داخلی

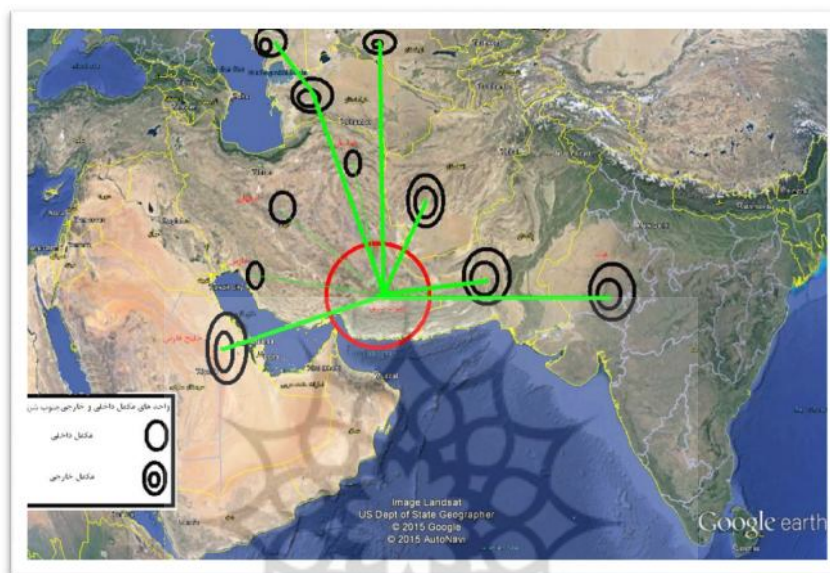
- ۱- ناحیه مرکب از مجموع دو استان هرمزگان (نیمه غربی) و فارس به‌عنوان واحد مکمل مجاور در زمینه‌های کشاورزی، گردشگری و سرمایه‌گذاری؛
- ۲- ناحیه مرکب از مجموع دو استان بوشهر و خوزستان (واحد غیرمجاور) در زمینه کشاورزی و صنعتی؛
- ۳- ناحیه مرکب از مجموع سه استان خراسان جنوبی، رضوی و شمالی در زمینه سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های معدنی؛
- ۴- ناحیه مرکب از مجموع سه استان سمنان، یزد و اصفهان در زمینه فعالیت‌های معدنی، گردشگری و سرمایه‌گذاری.

لازم به توضیح است، مناطق فوق در بررسی اولیه، به‌عنوان واحدهای مکمل جنوب شرق در سطح داخلی معرفی و پیشنهاد می‌شوند. لیکن مکمل‌های جنوب شرق کشور لزوماً محدود به این مناطق نبوده و ممکن است طی بررسی و مطالعات بیشتر، واحدهای دیگری نیز در این رابطه مورد شناسایی قرار بگیرند.

ب: مکمل‌های خارجی

- ۱- دوکشور پاکستان و افغانستان به‌عنوان واحدهای مکمل مجاور در مرزهای شرقی در زمینه‌های کشاورزی و امنیتی؛

- ۲- حوزه مهم خلیج فارس به‌عنوان واحد مکمل مجاور در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و گردشگری؛
- ۳- حوزه جنوب آسیا بالاخص کشور هند به‌عنوان واحد مکمل غیرمجاور در زمینه‌های کشاورزی، صنعتی و سرمایه‌گذاری؛
- ۴- حوزه مهم آسیای مرکزی و کشورهای محصور در خشکی این منطقه به‌عنوان مکمل غیرمجاور در زمینه‌های سرمایه‌گذاری و حمل و نقل؛
- ۵- جنوب شرق آسیا بویژه کشورهای عضو پیمان آ.سه.آن و نیز کشور چین، به‌عنوان واحدهای غیرمجاور و بالقوه در زمینه‌های سرمایه‌گذاری، حمل و نقل، کشاورزی و صنعت.
- از میان واحدهای مکمل داخلی و خارجی جنوب شرق ایران، برخی واحدها نظیر خلیج فارس و آسیای مرکزی و همچنین در سطح داخلی، واحد شمالی یعنی مجموع سه استان خراسان، در زمره مکمل‌های بالفعل جنوب شرق ایران به حساب می‌آیند و برخی واحدها نظیر جنوب شرق آسیا، به منزله واحدهای مکمل بالقوه محسوب می‌گردند که واجد زمینه‌های محتمل برقراری تعامل و همکاری دوجانبه با جنوب شرق ایران می‌باشند.
- در پایان ذکر این مطلب ضروری است که فرایند هم‌تکمیلی که به‌عنوان الگو و راه‌حل پیشنهادی پژوهش حاضر برای توسعه جنوب شرق ایران ارائه شده است، الگویی کاربردی و عملی است که طریقه دستیابی به توسعه پایدار و برقراری توازن فضایی میان مناطق جغرافیایی را ارائه می‌کند. این مدل پیشنهادی قابلیت آن را داراست که در سطوح و مقیاسهای مختلف جغرافیایی به کار گرفته شود. به‌طور مثال، از راهبرد هم‌تکمیلی می‌توان برای بررسی و تبیین روابط و همکاری میان دو روستا، دو شهر، دو استان، دو کشور، دو منطقه، و بالاخره در مقیاس جهانی استفاده به‌عمل آورد.



نقشه شماره ۲: واحدهای مکمل داخلی و خارجی جنوب شرق ایران

۴- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر مبانی و کارکردهای یک رهیافت مناسب جغرافیایی با عنوان رهیافت «هم‌تکمیلی» را تبیین و معرفی کرده است. از نظر مفهومی، هم‌تکمیلی الگویی کارکردی و چارچوبی برای حل و فصل مسائل و معضلات پیش‌روی مکانهای جغرافیایی است که در سطوح و مقیاس‌های فراملی تا فراملی مطرح بوده و در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی کاربرد دارد. فرض بنیادی رهیافت فوق مبتنی بر تفاوت و نابرابری‌های موجود میان مکانهای جغرافیایی از حیث میزان و نحوه توزیع منابع محیطی در آنهاست. نتایج حاصل از تحلیل‌ها نشان می‌دهد، چنانچه رهیافت هم‌تکمیلی به‌درستی و بر اساس اطلاعات دقیق مربوط به مکانها به‌مورد اجرا گذارده شود، این امکان فراهم خواهد شد تا طیف وسیعی از نابرابریها، فقر و توسعه‌نیافتگی و همچنین منازعات و چالشهای موجود میان نواحی و مناطق جغرافیایی کاهش یافته و مرتفع گردند. به‌طوری‌که طی این فرایند، مشارکت، تعامل و رفاقت جایگزین

کشمکش‌ها، شکافها و رقابت‌های غیرسازنده میان مکانها می‌گردد. در این پژوهش، مسأله فقر و توسعه‌نیافتگی منطقه جنوب‌شرق ایران به‌عنوان پژوهش نمونه و در چارچوب رهیافت هم‌تکمیلی مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصله از این بررسی، ظرفیت و مزیت‌های ناحیه فوق به‌همراه محدودیت و تنگناهای محیطی آن مورد شناسایی قرار گرفته و همچنین نواحی مکمل داخلی و خارجی آن به همراه زمینه‌های مشارکت و همکاری، تعیین و تعریف شده است. به عقیده نگارندگان، چنانچه رهیافت هم‌تکمیلی و مراحل و حلقه‌های اجرایی آن به‌نحو صحیحی به اجرا گذاشته شود، این رهیافت نقش مؤثر و کم‌نظیری در حل و فصل مشکلات ناشی از فقر و توسعه‌نیافتگی بویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته ایفا خواهد نمود. همچنین به ارتقا و تقویت صلح، ثبات و امنیت پایدار در محیط‌های جغرافیایی و روابط و مناسبات بین‌المللی منجر خواهد گردید.

۵- قدردانی

نگارنده‌گان بر خود لازم می‌دانند از حمایت‌های دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران در انجام پژوهش حاضر کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

1. Abdollahi, Ali(2013), Makran Coast Role in Regional Security and National Security Solutions Optimal Use of the Beaches, Makran Coastal Development and Maritime Authority of the Islamic Republic of Iran Conference, [in Persian].
2. Akhgar, Aliakbar(2013), The role of sea power in the authority of the Islamic Republic of Iran, Makran coastal development and maritime authority of the Islamic Republic of Iran Conference, [in Persian].
3. Andalib, Alireza(2001), The basic theory and principles of the Islamic Republic of Iran's treatment of border areas, Tehran: Command and Staff College Army of the Guardians of the Islamic Revolution[in Persian].
4. Cantori, Louis J and Steven, Spiegel (1970), The International politid, of Region: A comparativ approach, new Jersey, prentice Hall.
5. Coper, Richard (1968), The Economics of Interdependence, New York: Mcgraw. Hill
6. Deutsch, Karlw(1957), Political community and the north Atlantic Area :Princeton University.
7. Dougherty, Jymz- Faltzgraf, Robert (1996), contending theories in international relations: a comprehensive, translated by :Vahid Bozorgi and Alireza Tayyeb, Tehran:Ghoomes publication [in Persian].
8. Ebrahimzade, Issa (2010), Security and development in south-eastern borders of Iran and strategic planning for it, Journal of Political-economic information, No. 273-274 [in Persian].
9. Ebrahimzade, Issa (2014), Iran has ignored the capacity of the South East, Interview with Anna Azad University News [in Persian].
10. Ebrahimzade, Issa and Esmailnejhad, Morteza(2012), Analysis of climatic comfort and Tourism Planning, case study: Sistan & Balochistan, Journal of Geography and Regional Development, No.18, Spring & Summer[in Persian].
11. Ebrahimzade, Issa; Tarmian, Hossein; Kazemirad, Shamsolah(2010), Sistan civilization role of cultural tourism in South East Iran, Proceedings of the Fourth International Congress of the Islamic World Geographers[in Persian].
12. Frankel, Jozef (1992), Contemporary Theory of International Relations, Translated by: Vahid Bozorgi, Tehran, Etelaat Publications [in Persian].
13. Gantori, Louis J and Stevenl, Spiegel(1970), The international politics of Regions: A comparative Approach, New Jersey prentice Hall.
14. Ghaderi, Esmail (2004), Introduction to Tourism, koja Magazine, No.1, January [in Persian].

15. Golshan Pajoh, Mohamadreza(2012), Soft War, Tehran: international Studies & Reserch Institute Arab Moaser Tehran[in Persian].
16. Haas, Ernest(1964), Beyond the nation state, standford university.
17. Hafez nia, Mohamadreza and Hashem Nasiri (1999), Geopolitical thought in the 20th century, Tehran, The State Department's Bureau of Political and International Studies[in Persian].
18. Hafeznia, Mohamadreza (2006), Principles and concepts of Geopolitics, Papoli Publications, Mashhad, [in Persian].
19. Hafeznia, Mohamadreza and Morad kavianirad(2004), New Horizons in Geopolitics, SAMT Publications[in Persian].
20. Hafeznia, Mohamadreza and Romina, Ebrahim(2004), South-East coast of geopolitical analysis capacity in the national interest(Space is ignored) Journal of Geography and Development; autumn and winter [in Persian].
21. Hafeznia, Mohamadreza and Zarghani, Seyed Hadi (2012), Geopolitical challenges of convergence in the Muslim world, Journal of human studies, number 80, Summer[in Persian].
22. Hantingten, Samouel (1995), Theory of Encountering civilization, translated by Mojtaba Amiri, Tehran office of political and inernational studies of Ministry of foreign Affairs[in Persian].
23. Hemmati, Abdonnaser (1990), The economic problems of the Third World, Tehran, Soroush Publications[in Persian].
24. Hosseinbor, Aiob (2015), Operations and political strategy Sunni radical groups in South East Iran[in Persian].
25. Kazemi, Seyed Ali Asghar (1991), Convergence theory, Tehran, Ghoomes Publications[in Persian].
26. Khalili, Mohsen; Menshadi, Morteza; Azmode, Fahime (2011), South -East geoeconomic demands of the development of Iran, Journal of Foreign Relations, Vol. 3, No. 14, Winter[in Persian].
27. Khosravi, Mahmud and Porine, Mohamadreza (2010), Analysis of the impact of silicon tropical climate of the South East, Journal physiographic, No.73, Summer[in Persian].
28. Koehane, Robert and Nye Josephs, (1977), power and Interdependence: World politics in Transition, Boston: Little, Brown and company.
29. KOUL.J.P(1986), Distance backwardness (An analysis of poverty and inequality in the world) Translated by: Bahman Zolfaghar pour & Mahmood Riazzy, Tehran, Amir Kabir Publications [in Persian].
30. Mitrany, David (1948), The functional Approach to world organizational, International Affairs.
31. Najar salighe, Mohamad(2006), Mechanisms of rainfall in the South East of the country, Journal of Geographical Research, No. 55, Spring[in Persian].
32. NASA (2015), Sstudy, Sunday, March 29, News Bulletin News[in Persian].

33. Negaresh, Hoseein and Latifi, Leila (2008), Geomorphological analysis dunes East Sistan plain progression recent drought, Journal of Geography and Development, No. 12[in Persian].
34. Omidi, Ali (2009), Regionalism in Asia (Looking organizations, ASEAN, Eco, SAARC), Tehran, The State Department's Bureau of Political and International Studies[in Persian].
35. Oshloghi, Abbas; Majid Daman Pak; Morteza (2013); Islamic Republic of Iran and the Economic Cooperation Organization (ECO), Twenty years after the expansion of ECO, Journal of Central Asia and Caucasus, No. 84, Winter [in Persian].
36. Rezaei, Abdolmajid (2013), Natural Hazards Environment (weblog)[in Persian].
37. Rosecrance, R and Alexandroff, Whither (1977), Interdependence, International organization.
38. Saeidi, Aliasghar (1989), Feedback borders role in securing the border areas, Borders Conference (challenges and opportunities), Oromie, Adiban Publications[in Persian].
39. Seifzade, Hosein (2010), Theories of international relations Foundations and intellectual forms, Tehran, SAMT Publications[in Persian].
40. Seifzade, Hossein (2010), Theory-Building in international relation, fundamentals and paradigms, SAMT Publications[in Persian].
41. Soroush, Abdolkarim (2006), The lessons in philosophy of social science, Ney Publications[in Persian].
42. Tavosi, Taghi; Eskandari sani, Mohamad; Hoseinzade kermani, Mahmood (2012), The capabilities and limitations of the East in the current situation in Iran, Journal of Urban and Regional Research, Vol. 3, No. 12[in Persian].
43. V.g. Chak (2011), Tourism comprehensive eye up (7th Edition) Translated by: Ali parsaiian-seied mohamad erabi, Tehran, Cultural Research Bureau[in Persian].
44. www.Sonnat.net.
45. Zarghani, Seiyed Hadi and Gholizade, Masomeh (2012), Analyzing the role and strategic position Makran coast, The first national conference on the development of Makran coast and sea power Iran[in Persian].